

راز جنایت های سیاه پسر «دیجی» و همدستش



تلفن همراه مردم همدست شد تا شماره و پیامک‌های امیر را نشان دهد. هیچ اثری از شماره تلفن و پیام‌های او نبود، آنجا بود که فهمیدیم او با اثر انگشتم وارد گوشی ام شده و تمام چت‌ها و اطلاعاتی را که از خودش در گوشی من بود پاک کرده است.

دو شکایت مشابه دیگر

بعد از شکایت دختر ۲۵ ساله، کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شده و تحقیقات برای شناسایی و دستگیری پژوسوران آغاز شد. همزمان مأموران با دو شکایت مشابه دیگر مواجه شدند. دو دختر جوان دیگر که یکی از آنها مدیر شرکتی در غرب تهران و دیگری آرایشگری بود، از قربانیان مرد پژوسور بودند. امیر با آنها نیز در اینستاگرام آشنا شده و به اصرار آنها راه محل قرار گرفته بود. در هر دو مورد دختران جوان را اطلاعات خودش را از گوشی قربانیان پاک کرده و پول مسموم و نقشه‌اش را اجرا کرده بود. در این دو مورد نیز اطلاعات خودش را از گوشی قربانیان پاک کرده و پول مسموم و نقشه‌اش را نیز به سرعت برده بود. با شروع تحقیقات کارآگاهان به محل‌هایی که دختران جوان سوار خودرو و متهم شده بودند یا متهم خودروانش را متوقف کرده تا آرمیوه بخرد رفتند اما هیچ ردی از او به دست نیامد، چرا که متهم محل‌هایی را انتخاب کرده بود که هیچ دوربین مداربسته‌ای وجود نداشت تا هیچ ردی از خود به جا نماند. در ادامه مشخص شد که صفحه اینستاگرام او نیز حذف شده است.

در معاینات پزشکی قانونی نیز مشخص شد که دختران جوان با مادامی که داخل آن هر وین بوده بی‌هوش شده‌اند و اگر مقدار بیشتری از این مواد داخل آرمیوه ریخته شده بود دختران جوان به کام مرگ کشیده می‌شدند.

گرچه متهم اصلی پرونده ردها و سرنخ‌ها را پاک کرده بود اما در ادامه کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شده و تحقیقات برای موفق به شناسایی امیر در غرب تهران شده و در عملیاتی ویژه او بازداشت شد.

در ادامه تحقیقات مشخص شد امیر پاسپر جوان دیگری به نام محمد که پس از بی‌هوش کردن دختران وارد ماجرا می‌شد دوست بوده و نقشه آدم‌ربایی و آزار و اذیت را اجرا می‌کرد.

سردار علیرضا لطیفی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت با اعلام این خبر گفت: هر ۳ شاکی امیر را شناسایی کردند اما فقط یکی از دختران همدست او را شناسایی کرده است. در بازرسی از مخفیگاه متهمان تعدادی سیم کارت و گوشی‌های تلفن همراه و کارت‌های عابر بانک کشف شد. به دستور باز پرس شعبه هفتم دادسرای امور جنایی پایتخت، تحقیقات برای شناسایی سایر قربانیان احتمالی ادامه دارد.

گرچه امیر از سوی هر سه شاکی پرونده شناسایی شده اما

گروه حوادث ۳- دختر جوان از پسر «دیجی» و همدستش به شکایت کردند.

راز جنایت‌های سیاه پسر «دیجی» و همدستش که دختران جوان را با خوراندن آرمیوه حاوی هر وین بی‌هوش کرده و مسورد آزار و اذیت و سرقت قرار می‌دادند با شکایت‌های سه دختر فاش شد.

آخرین روز هفته گذشته اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران ششصد حضور سه دختر جوان بود که از سوی دو مرد شوهر مورد تعرض قرار گرفته و حالا به آنجا آمده بودند تا آنها را شناسایی کنند.

وقتی در باز شد ۷ متهم با لباس‌های مشابه و دستبند به دست وارد شعبه شدند و مقابل این سه دختر ایستادند تا شاکی‌ها از میان آنها متهمان اصلی را شناسایی کنند. در همین موقع سه دختر جوان به محض مشاهده دو نفر از متهمان ناگهان رنگ از صورت‌شان پرید و دست و پاهایشان به لرزه افتاد انگار با دیدن این دو شوهر و صحنه‌های هولناک اتفاق شومی که برایشان رخ داده بود باردیگر زنده شد. با کمک افسر پرونده و خروج دختران از اتاق وقتی کمی حالشان بهتر شد به بیان جزئیات حادثه پرداختند.

یکی از شاکی‌ها دختر جوان ۲۵ ساله‌ای بود که در یک کلینیک پوست و مو کار می‌کند. وقتی می‌خواست جزئیات روز حادثه را توضیح دهد چند بار حالش بد



پدرام بی رحم بود!

خاطره انگیز به منزلشان بروم. من هم که دیگر مطمئن شده بودم پدرام قصد ازدواج با ما دارد، خواسته اش را پذیرفتم و به محل کارش رفتم. ساعتی بعد با هم سواری خودروی شخصی ام به طرف منزلشان حرکت کردیم اما زمانی که قدم در آن خانه گذاشتم تازه متوجه شدم که به لانه شیطان آمده‌ام چرا که آن منزل خالی از سکنه بود و هیچ کس در آنجا حضور نداشت. وقتی تصمیم به بازگشت گرفتم، پدرام ابتدا با توسل به دروغ‌های فریبنده اش تلاش کرد تا مرا از رفتن منصرف کند اما وقتی من برای رفتن پافشاری کردم او ناگهان موهام را کشید و به شدت تکم زد.

پدرام تهدید کرد اگر در برابر خواسته بی‌شرمانه اش مقاومت کنم مرا می‌کشد و جسم را درون چاه فاضلاب همان منزل می‌اندازد، به طوری که کسی هم از این حادثه باخبر نشود. خلاصه پدرام با تهدیدهای وحشتناک نیت پلیدو شیطانی اش را عملی کرد و... وقتی به منزل بازگشتم بسیار نگران و وحشت زده بودم اما برای حفظ آبروی خود و خانواده ام سکوت کردم و به کسی چیزی نگفتم تا این که بعد از یک ماه ماجرا را برای یکی از دوستانم شرح دادم، سپس با راهنمایی دوستم به کلاتری آمدم تا از این شیطان اینستاگرامی شکایت کنم. شایان ذکر است، در پی اظهارات این دختر جوان، پدرام به کلاتری سناباد احضار شد و با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد محمد باقر بهرام‌زفر (رئیس کلاتری سناباد) مورد بازجویی‌های

دسیسه زنانه برای ربایش شوهر بی‌نوا

هفته‌ها آنگیز به منزلشان بروم. من هم که دیگر مطمئن شده بودم پدرام قصد ازدواج با ما دارد، خواسته اش را پذیرفتم و به محل کارش رفتم. ساعتی بعد با هم سواری خودروی شخصی ام به طرف منزلشان حرکت کردیم اما زمانی که قدم در آن خانه گذاشتم تازه متوجه شدم که به لانه شیطان آمده‌ام چرا که آن منزل خالی از سکنه بود و هیچ کس در آنجا حضور نداشت. وقتی تصمیم به بازگشت گرفتم، پدرام ابتدا با توسل به دروغ‌های فریبنده اش تلاش کرد تا مرا از رفتن منصرف کند اما وقتی من برای رفتن پافشاری کردم او ناگهان موهام را کشید و به شدت تکم زد.

پدرام تهدید کرد اگر در برابر خواسته بی‌شرمانه اش مقاومت کنم مرا می‌کشد و جسم را درون چاه فاضلاب همان منزل می‌اندازد، به طوری که کسی هم از این حادثه باخبر نشود. خلاصه پدرام با تهدیدهای وحشتناک نیت پلیدو شیطانی اش را عملی کرد و... وقتی به منزل بازگشتم بسیار نگران و وحشت زده بودم اما برای حفظ آبروی خود و خانواده ام سکوت کردم و به کسی چیزی نگفتم تا این که بعد از یک ماه ماجرا را برای یکی از دوستانم شرح دادم، سپس با راهنمایی دوستم به کلاتری آمدم تا از این شیطان اینستاگرامی شکایت کنم. شایان ذکر است، در پی اظهارات این دختر جوان، پدرام به کلاتری سناباد احضار شد و با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد محمد باقر بهرام‌زفر (رئیس کلاتری سناباد) مورد بازجویی‌های

گروه حوادث- زنی با همدستی پدرش آدم‌ربا جیر کرد تا شوهرش را بریاند.

۲۵ ساله‌ای با جهاری آشفته از ماجرای فرار از دست آدم‌ربا جیر شده پرده برداشت. این مرد به پلیس گفت: چند ماهی است که با همسر اختلاف داشتم و او بارها به دادگاه رفت و جز طلاق، شکایت‌هایی مبنی بر نپرداختن نفقه کرد که تیرنه‌شدم و در ریخت‌طلاقی نیز حاضر به جدایی از همسر نشدم. وی افزود در این مدت همسر برای جدایی پافشاری می‌کرد اما من نپذیرفتم تا اینکه با میانجیگری پلیزنتم زندگی ما به آرامش رسید و با هم زندگی می‌کردیم، اما از یک ماه پیش بهانه‌گیری‌های همسر شروع شد تا اینکه چند روز پیش با اتفاق عجیبی روبه‌رو شدم. در محل کارم بودم و برای اضافه‌کاری مجبور شدم شیفت شب نیز در آنجا بمانم و فردای آن روز برای استراحت به خانه رفتم.

خواب بودم که زنگ خانه به صدا درآمد و همسرم ادعا کرد که با من کار دارند و به همین دلیل به سمت حیاط رفتم و دیدم که در باز شده و ۳ مرد قوی هیکل داخل حیاط هستند.

در این لحظه همسرم در ورودی به خانه ایست و ۳ مرد غریبه گفتند که من معاند هستم و برای درمان می‌خواهند مرا به کمپ ترک اعتیاد ببرند. هر چه به آنها می‌گفتم معتاد نیستم، بی‌نتیجه بود و ۳ مرد مرا به زور سوار خودروی پژویی که آرنده جوانی داشت، کرده به سمت کمپ ترک اعتیاد بیرون از شهر بردند.

این مرد ادامه داد: در کمپ ترک اعتیاد نیز به همه گفتم که معتاد نیستم تا اینکه پزشکان مرا تحت نظر قرار دادند و آنها نیز با منفی بودن جواب آزمایش‌ها خواستند تا مرا آرنده کنند، اما ۴ مرد قوی هیکل مرا در کمپ نگه داشتند و دو

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

جویای کار	خدمات	صنایع چوب	رستوران
آقا ۳۴ ساله نگهبان، سرایدار، آبدارچی، نظافتچی آماده همکاری می باشد ۰۹۱۷۹۴۵۶۶۲۹ - ۰۹۱۷۶۲۵۶۹۴۴	خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸	صنایع چوب حلاج کیش کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲	رستوران سای دا انواع غذاهای ایرانی و دریایی با کادری مجرب و با سابقه آماده عقد قرارداد با شرکت‌ها و مؤسسات آدرس: کیش، بلوار خیام، خیابان باباطاهر TS44
حمل بار	تدریس خصوصی	نیازمندیهای اقتصاد کیش ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰	حسابداری
حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰	تدریس خصوصی دروس ریاضی، فیزیک و شیمی از پایه نهم تا دانشگاه توسط استاد مجرب با ۸ سال سابقه تدریس به همراه کلاسهای امادگی تست کنکور شیمی توسط مهندس شیمی با نازلترین قیمت و یادگیری تضمینی ۰۹۳۶۲۶۰۴۲۸۱	مشاور امین ملکی شما در جزیره زیبای کیش ۰۹۳۳۶۷۵۰۹۱۴ عمرانی	شرکت آریا اطلس کیش اظهارنامه اشخاص حقیقی و حقوقی حسابداری، حسابرسی، بیمه تأمین اجتماعی، خرید و فروش فصلی، مالیات بر ارزش افزوده، حقوق و دستمزد آدرس: خیابان ساحل، بازار دیپلمات، طبقه اول تجاری، واحد ۱۰۹ شماره تماس: ۰۹۱۲۷۰۵۷۱۷۳ - ۰۷۶۴۴۴۶۱۱۵۱

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷

شرکت شاندیز کیش

اماکن قرنطینه‌ای، منازل مسکونی
تجاری، اداری، پروژه‌ها و...
با مه پاش‌های سرد - فوری

ضد عفونی